

تأثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی بر اشتغال به کار مجدد بازنشستگان

چکیده

مسلماً هدف دولت‌ها ایجاد عدالت و ارتقاء توسعه انسانی است و دولت‌ها این مهم را با تأمین اجتماعی به تحقق می‌رسانند. بر این اساس سازمان تأمین اجتماعی به عنوان بزرگترین و گسترده‌ترین نهاد، جهت رسیدن به هدف اصلی خود یعنی ایجاد عدالت و توسعه انسانی با شاخصه‌های امید به زندگی، آموزش و درآمد ملی ناخالص سرانه تلاش می‌کند. هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی بر اشتغال به کار مجدد بازنشستگان عادی و سخت و زیان آور سازمان تأمین اجتماعی استان خوزستان است. جامعه آماری این پژوهش شامل بازنشستگان شهرستان اهواز می‌باشد که ۲۸۰ نفر از آن‌ها به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات شامل پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که متغیرهای جنسیت، سن، سطح تحصیلات، میل به پس انداز و سرمایه گذاری و بهبود وضعیت معیشتی، نیاز به تعلق به دیگران و بهبود شرایط روحی و روانی با متغیر وابسته اشتغال مجدد بازنشستگان، اثر معناداری را نشان نمی‌دهند. متغیرهای مشکلات اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی با متغیر وابسته شغل مجدد بازنشستگان، اثر معناداری را نشان می‌دهند.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی، وضعیت معیشتی، اشتغال به کار مجدد، بازنشستگان

The impact of economic and social factors on the re-employment of retirees

Abstract

Certainly, the goal of governments is to create justice and promoting human development, and governments achieve this through social security. Accordingly, the Social Security Organization, as the largest and most comprehensive institution, strives to achieve its main goal of creating justice and human development with the characteristics of life

expectancy, education and gross national income per capita. This study was to investigate the effect of economic and social factors on the recruitment of the ordinary and severely retarded workers of the Social Security Organization of Khuzestan province. The statistical population of this research includes the retired in Ahwaz. The purpose of this study was to select the sample of 280 people in the community, because their address and location were not known. The snowball sampling method was used. The data were collected by the questionnaire and Became After completing fieldwork, research and information gathering, all questionnaires were reviewed and analyzed in SPSS software. Regression analysis results show that gender, age, education level, willingness to save and capital. The improvement of livelihoods, the need to belong to others and the improvement of psychological conditions with the dependent variable of re-employment of retirees does not show a meaningful effect. The variables of economic problems and improvement of quality of life with the dependent variable of retirement job show a significant effect.

Keywords: Quality of life, living conditions, Reemployment, Retirees

مقدمه

به لحاظ وسعت، گستردگی و حجم وظایف و تعداد جمعیت تحت پوشش، سازمان تأمین اجتماعی، گسترده ترین و بزرگترین نهاد تأمین اجتماعی جمهوری اسلامی ایران است. از اینرو مطالعه مباحث مربوط به تأمین اجتماعی نه تنها دارای اهمیت شایانی است که در جهت بسط، توسعه، گسترش و تحقق عدالت اجتماعی ضروری نیز می باشد؛ همچنین پرداختن به حوزه تأمین اجتماعی از اهداف عمده دولت جمهوری اسلامی ایران و یکی از مباحث محوری در هر برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز به حساب می آید. گستردگی حوزه تأمین اجتماعی تا اندازه ای است که امروزه دولت های مختلف جهان نیز، مهمترین خدمت خود را ایجاد و توسعه نظام تأمین اجتماعی اثربخش، کارآمد و قوی به حساب می آورند (عصمتی و محبی، ۱۳۹۴: ۴۲).

سابقه تامین اجتماعی در ایران به تصویب اولین قانون استخدامی کشوری در سال ۱۳۰۱ باز می گردد که طی آن، نظامی برای بازنشستگی به وجود آمد. در این قانون، سه اصل تامین اجتماعی که عبارت بودند از فراهم کردن «حقوق و تامین خاص» برای کسانی که پس از خدمت، توانایی

فعالیت خود را از دست می‌دهند، «مقرری خاص» برای کسانی که به علت حادثه‌ای، علیل و از کار افتاده شوند و «حمایت کارفرمایان» از خانواده هر مستخدم که فوت شود، به چشم می‌خورد (سایت سازمان تأمین اجتماعی). بدین ترتیب سازمان های بیمه و تأمین اجتماعی در هر جامعه ای به عنوان متولیان حمایت از سالمندان و بازنشستگان شناخته می‌شوند. این سازمان ها، به لحاظ نقش بیمه ای که در طی زندگی برای افراد ایفا می‌کنند دارای سازوکارهای مختلفی هستند. سازمان تأمین اجتماعی ایران یک سازمان بیمه گر اجتماعی عمومی غیردولتی است. این سازمان عمومی غیردولتی، وظیفه پوشش اجباری بیمه کارگران، حقوق‌بگیران و پوشش اختیاری صاحبان حرف و مشاغل آزاد را برعهده دارد.

سازمان تأمین اجتماعی برنامه های خود را در دو قالب برنامه های کوتاه مدت شامل خدمات درمانی، غرامت دستمزد، کمک بارداری و زایمان، کمک هزینه ازدواج، کمک هزینه کفن و دفن و بیمه بیکاری و برنامه های بلند مدت به صورت بازنشستگی، مستمری از کار افتادگی، مستمری بازمندگان پی ریزی کرده است و تا حدودی توانسته در این امر موفق شود و جایگاه نسبتاً خوبی را در سطح بین الملل کسب کند (نیک پور، ۱۳۹۷: ۱۵).

آمار نشان می‌دهد در حال حاضر تعداد مستمری‌بگیران تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی ۵۹۴۸۴۶۷ نفر شامل ازکارافتاده‌ها، بازنشسته‌ها و بازمانده‌ها است که ۱۷۳۰۸۹۸ نفر از آنان بازنشستگان می‌باشند. لذا توجه جدی و برنامه‌ریزی علمی در جهت رفع نیازهای این قشر از جامعه می‌تواند آثار قابل توجهی بر سلامت جامعه از جهات گوناگون داشته باشد. در این زمینه شأن بازنشستگان ایجاب می‌کند که بعد از حدود ۲۵ تا ۳۰ سال تلاش، در سنین بازنشستگی فاقد هرگونه نیاز مادی و معنوی بخصوص در زمینه نیازهای اولیه زندگی باشند. آنچه واقعیت امر است همانا عدم برآورده شدن این نیازهاست و مشاهده می‌شود که در بدو بازنشستگی دوباره به برخی مشاغل که بعضاً مرتبط با شغل اصلی خود است اشتغال دارند. بدیهی است از این نظر که لزوم توجه جدی به تجارب فکری و سرمایه‌های فکری این قشر از جامعه می‌تواند آثار زیادی بر روند عملکردها داشته باشد، لکن از بعد دیگر اشتغال مجدد آنها عدم تعادل در نظام اشتغال را به‌وجود آورد.

در قوانین و مقررات مرتبط با روابط کار در کشور، اجازه وجود شغل زیان آور و اینکه کارفرمایی بتواند با صدمه رساندن به جسم و روان نیروی کار، انتفاعی برای خود حاصل نماید نمی‌دهند و فقط وجود "شغل سخت" به رسمیت شناخته می‌شود که به ماهیت آن بر می‌گردد، یعنی اینکه کارفرما قصوری در ایجاد استاندارد محیط کار و ایمن سازی محیط کار خود ندارد و ماهیت

کار سخت است، لیکن در این حالت نیز کارفرما مکلف است با ایجاد تمهیدات لازم حمایت حداکثری از نیروی کار و بهسازی و سالم سازی محیط کار را انجام دهد (مواد ۹۱ و ۹۲ قانون کار). سازمان تأمین اجتماعی به عنوان یکی از نهادهای مرتبط با نیروی کار از بدو تشکیل رسالت خود را در زمینه اینگونه مشاغل مدنظر داشته و آن را به عنوان یک وظیفه اصلی در قانون خود گنجانده است. تبصره دو ماه ۷۶ قانون تأمین اجتماعی، بازنشستگی در مشاغل سخت و زیان آور را جز تعهدات قانون سازمانی قرار داده است (ریاضی، ۱۳۹۷: ۱۶).

اگر چه فلسفه بیمه بازنشستگی تأمین افراد پس از تقاعد است ولی مشاهده می شود که بسیاری از افراد بعد از بازنشستگی مجدداً مشغول به کار می شوند. از طرفی براساس مشاهدات اولیه بازنشستگی باعث ایجاد شوک روحی، روانی و بروز تبعات ناگوار اجتماعی، اقتصادی و روحی زیادی برای افراد می شود، لذا مطالعه آن درخور تأمل است. مخصوصاً ضرورت پرداختن به مسئله مذکور وقتی روشن می شود که مشاهده شود فرد بازنشسته برای پاسخگویی به مشکلات مالی و برای دوری از بیکاری (در این سن) به دنبال مشاغل متفرقه است (افروز، ۱۳۹۰: ۲۱). بدین ترتیب ضروری است به صورت همه جانبه مسائل و مشکلات ناشی از بازنشستگی و روی آوردن مجدد بازنشستگان به اشتغال بررسی شود. تأمین اجتماعی، شامل کلیه تدابیر، برنامه ها و اقداماتی است که به منظور حمایت از افراد، در دورانی که درآمدهای آنان به علت بیماری، حوادث و پیشامدها، پیری، از کارافتادگی، بیکاری و از این قبیل کاهش می یابد، اعمال می شود تا افراد با اتکا به این حمایتها به آرامش خاطر دست یابند (افتاده و واثقی، ۱۳۹۲: ۲۲۹).

اشتغال پس از بازنشستگی ممکن است به چندین دلیل گزینه جذابی برای بازنشستگان باشد. برای مثال مشکلات مالی برای بعضی کارکنان، دوران بازنشستگی را برای آنان دشوار می کند و اشتغال پس از بازنشستگی گزینه مناسبی برای رفع مشکلات اقتصادی افراد است (دامان و همکاران، ۲۰۱۱). علاوه بر آن، پل استخدامی زمینه ای را برای فعالیت های اجتماعی از طریق ارتباط با همکاران فراهم می کند. افرادی که در روابط خود دچار نارضایتی هستند، نه تنها در سازش با بازنشستگی دچار مشکل می شوند بلکه تلاش می کنند به جست و جو اشتغال پس از بازنشستگی از محیط خانوادگی دور شده تا از این طریق بتوانند خلأی را که در روابط اجتماعی آنان وجود دارد را پر کنند (بنت و همکاران، ۲۰۱۶). بازنشستگی به عنوان پدیده ای اجتماعی دارای ابعاد و تبعات مختلف فردی، اجتماعی و اقتصادی است که در بسیاری از جوامع به انحاء مختلف توجه خاصی را به خود جلب

کرده است. این پدیده واقعیت مهمی است که لاجرم در زندگی شغلی نیروی انسانی اتفاق می افتد و ممکن است به علل مختلفی زودتر از موعد مقرر حادث شود. بازنشستگی نه تنها با مسئله امنیت شغلی و امنیت درآمد مرتبط است بلکه سلامت روانشناختی، زیست شناسی و جسمانی افراد و حتی خانواده های آنها را تحت تأثیر قرار می دهد. رسیدن به دوره بازنشستگی به عنوان بخشی از زندگی انسان در صورتی که با تدبیر اصولی و برنامه های متناسب با شرایط اقتصادی - اجتماعی جامعه و افراد همراه نباشد زمینه نگرانی و اضطراب را برای بازنشستگان به ارمغان می آورد. در این زمینه «سیاست اجتماعی» متناسب با شرایط جوامع می-تواند تعدیل کننده تبعات و آثار سوء سالمندی و بازنشستگی در جوامع باشد. سیاست های اعمال شده باید ضمن حفظ شأن و منزلت انسانی و مراقبت از بازنشستگان، زمینه استقلال آنها را فراهم آورد که حاصل آن رضایتمندی و خشنودی از زندگی و این احساس که ۳۰ سال تلاش آنها بی توجه نمانده است خواهد بود (تاجبخش، ۱۳۹۴).

متأسفانه علی‌رغم مطالعه و تحقیقاتی که در زمینه بازنشستگی به طور اعم در داخل و خارج صورت گرفته و با توجه به تحقیقات معدودی که درباره افراد بازنشسته در داخل کشور انجام شده است، پژوهش جامع و قابل توجهی درباره وضعیت بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی صورت نگرفته است. لکن در اینجا به برخی از تحقیقات عمومی اشاره می شود.

تحقیق حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که عوامل اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر اشتغال مجدد بازنشستگان تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی در استان خوزستان کدامند؟

مبانی و رویکرد نظری

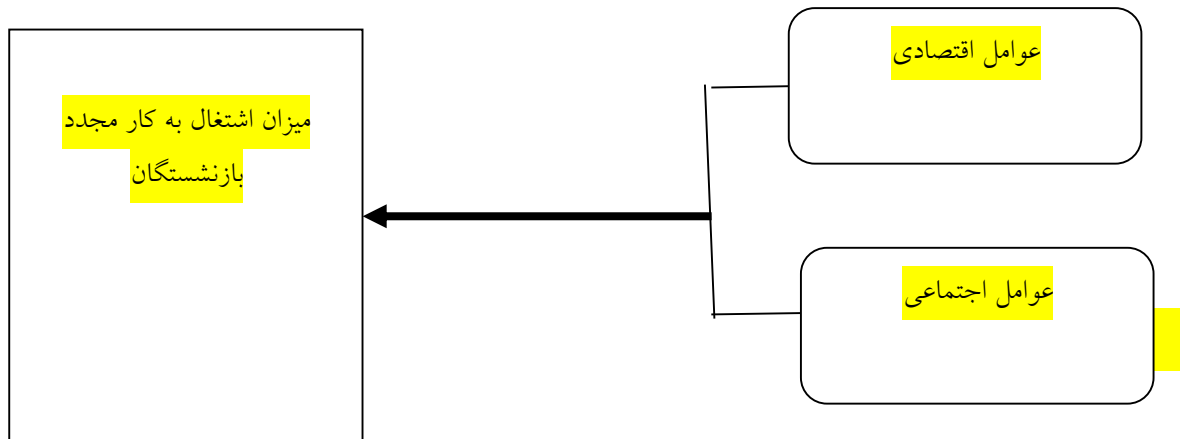
مزینانی و همکاران (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان رضایتمندی مستمری‌بگیران سازمان تأمین اجتماعی و تاثیر آن بر نگرش نسبت به سازمان انجام دادند. نتایج نشان داد که رضایت افراد از خدمات فرهنگی سازمان و خدمات غیر حضوری کارگزاری ها در سطح پایینی قرار دارد، هرچند رضایت از رفتار پرسنل و کارکنان سازمان و نیز خدمات درمانی ارائه شده توسط آن در سطح بالایی قرار دارد. از طرفی رابطه مثبتی بین میزان رضایت افراد از خدمات ارائه شده توسط شعب بیمه تأمین اجتماعی و نگرش مثبت نسبت به سازمان وجود دارد. شکوری (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر رضایتمندی بیمه شدگان سازمان تأمین اجتماعی از مقررات قانونی مربوط به نقل و انتقال سوابق بیمه ای از سایر صندوق های بازنشستگی انجام دادند. نتایج نشان داد بین میزان سطح آگاهی و وضعیت اقتصادی و مدت سابقه و فاصله زمانی ارائه درخواست و حقوق و مزایای مشمول کسر حق بیمه متقاضیان را رضایتمندی آنان از اجرای مقررات قانونی مربوط به نحوه نقل و انتقال

سوابق بیمه ای بین صندوق ها رابطه معنادار وجود دارد. فتحی و همکاران (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان عوامل ایمنی و بهداشتی موثر بر مدیریت بخش تغذیه در بیمارستان‌های تامین اجتماعی با رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری انجام دادند. نتایج نشان داد سه بعد ایمنی و بهداشتی، نظارت و کنترل و منابع انسانی، شناسایی شد. برآزش به دست آمده بسیار نزدیک به یک بود که بیانگر قوت تک بعدی بودن مدل بود. مؤلفه های نگهداری مواد غذایی در دمای مناسب و شرایط نامناسب نگهداری مواد اولیه بیشترین و کمترین تأثیر را در میان عوامل ایمنی و بهداشتی داشتند.

مهمترین پشتوانه قانونی ضرورت چنین اقداماتی اصل ۲۹ قانون اساسی است که در آن برخورداری از تأمین اجتماعی در دوران بازنشستگی، پیری و ازکارافتادگی را به عنوان یک حق مطرح می کند و دولت را با بهره گیری از درآمدهای عمومی و مشارکت مردم، مکلف به تحقق آن می سازد. بر این اساس، نهادها، سازمانها و مؤسسات مختلف مسئولیت مورد نظر را عهده دار شده اند که سازمان تأمین اجتماعی اصلی ترین مؤسسه مجری قانون تأمین اجتماعی و مقررات بازنشستگی است. این در حالی است که درصد بالایی از بازنشستگان زیر خط فقر زندگی می کنند و بدیهی است با توجه به اینکه متوسط حقوق بازنشستگان یک میلیون و هفتصد هزار تومان و حداقل دریافتی آنها یک میلیون و سی پنج هزار تومان است، (اعلام سازمان تأمین اجتماعی در گزارش های آماری سال ۱۳۹۶) چنین وضعیتی یعنی فقر در زندگی این افراد دور از انتظار نیست این موضوع توجیه کننده نسبی اشتغال مجدد این افراد به انحاء مختلف است. صرفنظر از نفس کار و تلاش، فقدان عایدات مادی به عنوان یکی از حیطه های مهم اشتغال مجدد، دارای مؤلفه های مختلفی است. بدیهی است توجه به این امر از یک سو موجبات رضایتمندی قشر مستمری بگیر و بازنشسته خواهد شد و از سوی دیگر موجب دلگرمی و هدف گذاری در قشر شاغل خواهد شد (کلانتری، ۱۳۹۵).

- مدل مفهومی تحقیق

مدل مفهومی تحقیق بر اساس دو متغیر کلیدی تحقیق (شامل: عوامل اقتصادی و اجتماعی تاثیر گذار بر اشتغال به کار مجدد بازنشستگان) تدوین و ترسیم گردید که هدف اصلی آن شناخت تأثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی تاثیر گذار بر اشتغال به کار مجدد بازنشستگان در جامعه آماری مورد مطالعه می باشد. لذا بر این اساس، نحوه ترسیم مدل مفهومی تحقیق حاضر که متمایز از مدل های مفهومی تحقیقات و پژوهش های قبلی انجام گرفته به صورت ذیل قابل ترسیم می باشد:



شکل ۱-۱- مدل مفهومی: مبتنی بر پژوهش اسکندری و خدمتگزار خوشدل (۱۳۸۸)

در این بخش به تعاریف (نظری و عملیاتی) کلمات کلیدی تحقیق حاضر می پردازیم:

-اشتغال به کار مجدد بازنشستگان:

تعریف نظری: به تقاضای آن دسته از بازنشستگان گفته می شود که پس از صدور حکم بازنشستگی خواهان بازگشت به محل خدمت خود می باشند و یا تمایل به اتمام دوره بازنشستگی و برگشت به کار را دارند (اسکندری و خدمتگزار خوشدل، ۱۳۸۸).

تعریف عملیاتی: در تحقیق حاضر جهت سنجش میزان تمایل به اشتغال مجدد بازنشستگان در جامعه آماری مورد مطالعه، پنج گویه در نظر گرفته شده است تا بدین وسیله وضعیت موجود میزان اشتغال به کار مجدد بازنشستگان در جامعه آماری مورد مطالعه مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته اند.

-عوامل اجتماعی:

تعریف نظری: منظور عوامل اجتماعی، عوامل و شرایطی هستند که ریشه در متغیرهای اجتماعی از جمله حمایت اجتماعی، منزلت و جایگاه اجتماعی و... دارند.

تعریف عملیاتی: برای اندازه گیری و سنجش عوامل اجتماعی تاثیر گذار بر اشتغال به کار مجدد بازنشستگان در جامعه آماری مورد مطالعه از سیزده گویه (از گویه های شماره اول تا سیزدهم پرسشنامه تحقیق) استفاده شده است، که دارای سه بعد (نیاز به تعلق با دیگران، بهبود شرایط روحی -روانی و بهبود کیفیت زندگی) و سیزده گویه است.

-عوامل اقتصادی:

تعریف نظری: منظور عوامل اقتصادی، عوامل و شرایطی هستند که ریشه در متغیرهای اقتصادی از جمله وضعیت درآمدی، تمایل به سرمایه گذاری و پس انداز و... دارند.

تعریف عملیاتی: برای اندازه گیری و سنجش عوامل اقتصادی تاثیرگذار بر اشتغال به کار مجدد بازنشستگان در جامعه آماری مورد مطالعه از هفت گویه (از گویه های شماره چهاردهم تا بیستم پرسشنامه تحقیق) استفاده شد، که دارای دو بعد (بهبود وضعیت معیشتی و تمایل به پس انداز و سرمایه گذاری) و هفت گویه است (اسکندری و خدمتگزار خوشدل، ۱۳۸۸).

فرضیه های پژوهش عبارتند از:

- بین عوامل اقتصادی، اجتماعی و اشتغال مجدد بازنشستگان رابطه وجود دارد.
- بین مشکلات اقتصادی و اشتغال مجدد بازنشستگان رابطه وجود دارد.
- بین میل به پس انداز و سرمایه گذاری و اشتغال مجدد بازنشستگان رابطه وجود دارد.
- بین بهبود وضعیت معیشتی و اشتغال مجدد بازنشستگان رابطه وجود دارد.
- بین نیاز به تعلق با دیگران و اشتغال مجدد بازنشستگان رابطه وجود دارد.
- بین بهبود شرایط روحی و روانی و اشتغال مجدد بازنشستگان رابطه وجود دارد.
- بین بهبود کیفیت زندگی و اشتغال مجدد بازنشستگان رابطه وجود دارد.
- بین متغیرهای زمینه‌ای (جنس، سن، سطح تحصیلات) و اشتغال مجدد بازنشستگان رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

در این پژوهش از روش توصیفی-پیمایشی^۱ استفاده شده است. این پژوهش از نظر ماهیت، از نوع پژوهش های کمی و از نظر هدف، یک تحقیق کاربردی است. جامعه آماری این پژوهش شامل بازنشستگان شهرستان اهواز می باشد که ۲۸۰ نفر از آن ها به روش نمونه گیری گلوله برفی به عنوان نمونه انتخاب شدند.

جمع آوری داده ها در این تحقیق، با استفاده از پرسشنامه صورت می گیرد. برای این منظور، پرسشنامه ی طراحی شده در اختیار بازنشسته ها قرار داده شده و جواب های بدست آمده، در پرسشنامه به ثبت می رسند. پس از تکمیل پرسشنامه ها، جواب های ارائه شده، به صورت کد وارد نرم افزار **Spss** شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرند. ابزار اندازه گیری پژوهش شامل پرسشنامه عوامل موثر بر اشتغال مجدد اسکندری و خدمتگزار خوشدل (۱۳۸۸) می باشد.

عوامل مؤثر بر اشتغال مجدد: این پرسشنامه توسط اسکندری و خدمتگزار خوشدل (۱۳۸۸) طراحی و ساخته شده است. ابعاد پرسشنامه شامل عوامل اجتماعی، اقتصادی و میزان اشتغال به کار مجدد می‌باشد. عوامل اجتماعی بعد نیاز به تعلق با دیگران (۳ سوال)، بهبود شرایط روحی-روانی (۴ سوال) و بهبود کیفیت زندگی (۵ سوال) می‌باشد. عوامل اقتصادی بعد بهبود وضعیت معیشتی (۴ سوال) و تمایل به پس انداز و سرمایه گذاری (۳ سوال) و میزان اشتغال به کار مجدد دارای ۵ سوال می‌باشد. مقیاس استفاده شده لیکرت خیلی کم امتیاز ۱، کم امتیاز ۲، متوسط امتیاز ۳، زیاد امتیاز ۴ و خیلی زیاد امتیاز ۵ می‌باشد. روایی این پرسشنامه با روایی محتوایی تایید شد (احمدی و صالحی، ۱۳۹۲) و پایایی با آلفای کرونباخ ۰/۷۰ به دست آمد.

جدول (۱)- نتایج آزمون آلفای کرونباخ متغیرها

متغیرها	میانگین واریانس استخراج شده	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی
عوامل اقتصادی	۰,۵۹۴۱۷۰	۰,۹۸۵۳۵۵	۰,۷۴۳۹۶۲
اشتغال به کار مجدد	۰,۵۴۵۱۸۲	۰,۷۸۳۲۳۸	۰,۷۸۱۶۷۲
عوامل اجتماعی	۰,۶۵۲۵۸۳	۰,۷۳۷۰۵۲	۰,۸۴۹۲۷۰

یافته های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی

جدول (۲)- سیمای آماری پاسخگویان

متغیر	وضعیت (درصد)
جنس	۵۰/۶ درصد مذکر / ۴۹/۴ مؤنث
وضعیت سنی	میانگین سنی ۳۴/۸۴، حداقل سنی ۱۸ و حداکثر ۷۰ سال
وضعیت تأهل	۳۷ درصد مجرد، ۵۶/۶ متأهل و ۵/۶ بیوه / مطلقه
تحصیلات	۱۸ درصد کمتر از دیپلم، ۵۲/۲ درصد دیپلم و فوق دیپلم، ۲۰/۷ درصد کارشناسی و ۹/۱ درصد کارشناسی ارشد و بالاتر
نوع اشتغال	۷۱/۸ درصد مشاغل آزاد، ۲۸/۲ درصد مشاغل دولتی (۱۷/۲ درصد کشوری، ۱۱ درصد لشکری)
درآمد	۱۶/۵ درصد بین ۱/۵ تا ۲ میلیون تومان، ۲۲/۹ درصد بین ۲ تا ۲/۵ میلیون تومان، ۳۳/۷ درصد بین ۲/۵ تا ۳ میلیون تومان، ۱۸/۷ درصد ۳ تا ۳/۵ میلیون تومان و ۸/۲ درصد بیشتر از ۳/۵ میلیون تومان

جدول (۳) - مقادیر توصیفی شاخص نارضایتی‌های اجتماعی و عوامل سیاسی مؤثر بر آن

متغیر	تعداد گویه	میانگین واقعی	حد متوسط	انحراف معیار
عوامل اجتماعی	نیاز به تعلق به دیگران	۱۳,۳	۹	۲,۶
	شرایط روحی روانی	۱۰,۱	۱۲	۲,۰۴
	بهبود کیفیت زندگی	۱۳,۹	۱۵	۳,۱
	کل	۳۲,۷	۳۶	۵,۰۶
عوامل اقتصادی	بهبود معیشت	۹,۷	۱۲	۲,۸
	تمایل به پس انداز	۶,۰۵	۹	۱,۹
	کل	۱۷,۱	۲۱	۴,۳
	اشتغال به کار مجدد	۱۹,۸	۱۵	۲,۶

توصیف شاخص‌های اصلی تحقیق نشان می‌دهد که در متغیر عوامل اجتماعی مؤثر بر اشتغال مجدد، مؤلفه‌های شرایط روحی و روانی (۱۰/۱) و بهبود کیفیت زندگی بازنشستگان (۱۳/۹) میانگینی پایین‌تر از حد متوسط (به ترتیب ۱۲ و ۱۵) به دست آورده و میانگین نیاز به تعلق به دیگران (۱۳/۳) بالاتر از حد متوسط (۹) بوده است؛ به بیان دیگر، در دوران بازنشستگی نیاز بازنشستگان به تعلق به دیگران بیشتر از حد معمول بوده، لیکن شرایط روحی و روانی آن‌ها دستخوش آثار منفی بیشتر گردیده و کیفیت زندگی آن‌ها تا حدودی تنزل یافته است. به طور کلی، به لحاظ عوامل اجتماعی مؤثر بر اشتغال مجدد، میانگین وضعیت بازنشستگان ۳۲/۷ بوده که از حدود متوسط (۳۶) پایین‌تر است. در عین حال، میانگین شاخص عوامل اقتصادی (۱۷/۱) مؤثر بر اشتغال مجدد نیز پایین‌تر از حد متوسط (۲۱) برآورد گردیده است. در این زمینه، شواهد نشان‌دهنده آن است که میزان بهبود وضعیت معیشتی (۹/۷) بازنشستگان در این دوران پایین‌تر از حدود متوسط (۱۲) بوده و همچنین به علت ضعف معیشتی غالب و نیز عدم کفاف درآمدهای این دوره از زندگی برای گذران زیست خانوادگی، میزان تمایل به پس‌انداز (۶/۰۵) به عنوان مؤلفه دیگر عوامل اقتصادی با کاهش شدیدی روبرو گردیده است، به عبارتی، درآمد بازنشستگی صرفاً کفاف هزینه‌های روزمره را داده و پول برای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری برای بازنشستگان باقی نمی‌گذارد. همچنین، بررسی میزان گرایش اشتغال

به کار مجدد نزد بازنشستگان نشان می‌دهد که میانگین این شاخص ۱۹/۸ بوده که بالاتر از حد متوسط (۱۵) است و نشان‌دهنده این می‌باشد که افراد بازنشسته پس از ورود به دوران بازنشستگی، تمایل زیادی به بازگشت به حوزه‌های شغلی داشته و درصددند بخشی از کمبودهای مالی، اجتماعی، تعاملی و غیره را از مسیر بازگشت مجدد به کار جبران نمایند.

ب) یافته‌های استنباطی

جدول (۲) - جدول دویبعدی مشکلات اقتصادی و اشتغال مجدد در میان بازنشستگان

جمع	مشکلات اقتصادی			شغل مجدد
	بالا	متوسط	پایین	
۱۵۰	۹	۱۲۳	۱۸	دارای شغل مجدد
۱۲۸	۳۷	۸۱	۱۰	عدم شغل مجدد
۲۷۸	۴۶	۲۰۴	۲۸	جمع
۲ = درجه آزادی			Sig = ۰/۰۰۰	نتایج آزمون
۲۶/۴ = χ^2 خی دو			Sig = ۰/۰۰۰	
۰/۳۰۸ = فی			Sig = ۰/۰۰۰	
۰/۳۰۸ = وی کرامرز			Sig = ۰/۰۰۰	

در جدول (۲) با توجه به رقم sig که کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد و رابطه بین دو متغیر را معنادار نشان می‌دهد، می‌توان گفت که بین مشکلات اقتصادی و وجود یا عدم وجود شغل مجدد در بین بازنشستگان، در سطح اطمینان ۹۹٪ رابطه‌ی معناداری وجود دارد. آزمون فی^۱ و وی کرامرز^۲ که برای تعیین شدت رابطه بکار می‌رود نشان می‌دهد که شدت رابطه‌ی بین این دو متغیر برابر با ۰/۳۰۸ و سطح معنی‌دار آن ۹۹٪ می‌باشد که بیانگر شدت رابطه‌ای در حد متوسط است.

جدول (۳) - جدول دویبعدی میل به پس انداز و سرمایه‌گذاری و اشتغال مجدد در میان بازنشستگان

جمع	میل به پس انداز و سرمایه‌گذاری			شغل مجدد
	بالا	متوسط	پایین	

1- Phi
2- Cramers' V

۱۵۰	۸۷	۲۷	۳۶	دارای شغل مجدد
۱۲۸	۸۵	۱۸	۲۵	عدم شغل مجدد
۲۷۸	۱۷۲	۴۵	۶۱	جمع
Sig= ۰/۳۵۴ ۲ = درجه آزادی ۲/۰۷ = خی دو				نتایج آزمون

در جدول (۳) با توجه به سطح معناداری **sig** که بیشتر از ۰/۰۵ می باشد، می توان نتیجه گرفت که بین دو متغیر فوق هیچ گونه رابطه ای وجود ندارد بدین معنا که فرق معناداری بین بازنشسته های دارای شغل و بدون شغل مجدد در میل به پس انداز و سرمایه گذاری وجود ندارد.

جدول (۴) - جدول دوبعدی بهبود وضعیت معیشتی و اشتغال مجدد در میان بازنشستگان

جمع	بهبود وضعیت معیشتی			شغل مجدد
	بالا	متوسط	پایین	
۱۵۰	۹۸	۴۸	۴	دارای شغل مجدد
۱۲۸	۷۳	۳۵	۲۰	عدم شغل مجدد
۲۷۸	۱۷۱	۸۳	۲۴	جمع
Sig= ۰/۰۰۰ ۲ = درجه آزادی ۱۵/۵ = خی دو				نتایج آزمون
فی = ۰/۲۳۹				
وی کرامرز = ۰/۲۳۹				

نتایج ارتباط بین این دو متغیر در جدول (۴) به همراه آماره های مربوطه مشاهده می شود. چون سطح معناداری، کمتر از ۰/۰۵ می باشد، به این ترتیب می توان با سطح اطمینان ۹۹٪ گفت که بین بهبود وضعیت معیشتی و اشتغال مجدد بازنشستگان رابطه معناداری وجود دارد بدین معنی که فراوانی کسانی که برای بهبود وضعیت معیشتی ارزش بیشتری قائل شده اند در بین بازنشسته های دارای شغل مجدد بیشتر است منتها شدت این رابطه با توجه به آماره های فی و وی کرامرز در سطح ضعیفی می باشد.

جدول (۵) - جدول دوبعدی نیاز به تعلق با دیگران و اشتغال مجدد در میان بازنشستگان

جمع	نیاز به تعلق با دیگران	شغل مجدد
-----	------------------------	----------

	پایین	متوسط	بالا	
دارای شغل مجدد	۱۲	۴۹	۸۹	۱۵۰
عدم شغل مجدد	۵	۲۵	۹۸	۱۲۸
جمع	۱۷	۷۴	۱۸۷	۲۷۸
نتایج آزمون	Sig= ۰/۰۱۴	۲ = درجه آزادی	۸/۵ = خی دو	
	Sig= ۰/۰۱۴		۰/۱۷۹ = فی	
	Sig= ۰/۰۱۴		۰/۱۷۹ = وی کرامرز	

متغیرهای مربوطه همراه با آماره‌های مناسب دو متغیر در جدول (۵) مشاهده می‌شود. براساس آماره-ی خی دو، بین دو متغیر با اطمینان ۹۵٪ رابطه‌ی معناداری وجود دارد. به این معنی که افراد بازنشسته-ی دارای شغل مجدد دارای نیاز به تعلق با دیگران بیشتری نسبت به بازنشسته‌های بدون شغل بوده‌اند. منتها شدت این رابطه با توجه به آماره‌های فی و وی کرامرز، در سطح ضعیفی برآورد می‌شود.

جدول (۶)- جدول دوبعدی دسترسی به بهبود کیفیت زندگی و اشتغال مجدد در میان بازنشستگان

جمع	بهبود کیفیت زندگی			شغل مجدد
	دسترسی بالا	دسترسی متوسط	دسترسی پایین	
دارای شغل مجدد	۳۱	۷۱	۴۸	۱۵۰
عدم شغل مجدد	۷۷	۴۶	۵	۱۲۸
جمع	۱۰۸	۱۱۷	۵۳	۲۷۸
نتایج آزمون	Sig= ۰/۰۰۰	۲ = درجه آزادی	۵۶/۷ = خی دو	
	Sig= ۰/۰۰۰		۰/۴۵۶ = فی	
	Sig= ۰/۰۰۰		۰/۴۵۶ = وی کرامرز	

نتایج رابطه بین این دو متغیر در جدول زیر همراه با آماره‌های مربوطه مشاهده می‌شود. چون سطح معناداری رابطه کمتر از ۰/۰۵ است، به این ترتیب با اطمینان ۹۹٪ می‌توان گفت که بین دو متغیر مذکور رابطه معناداری برقرار است. شدت این رابطه در سطح متوسط برآورد می‌شود. به این معنی که بازنشسته‌های دارای شغل مجدد اهمیت زیادی برای بهبود کیفیت زندگی قائل است.

جدول (۷) - جدول دوبعدی بهبود شرایط روحی و روانی و اشتغال مجدد در میان بازنشستگان

جمع	بهبود شرایط روحی و روانی			شغل مجدد
	بالا	متوسط	پایین	
۱۴۸	۴۷	۷۸	۲۳	دارای شغل مجدد
۱۳۰	۶۱	۴۳	۲۶	عدم شغل مجدد
۲۷۸	۱۰۸	۱۲۱	۴۹	جمع
۲ = درجه آزادی			Sig= ۰/۰۰۶	نتایج آزمون
۱۰/۲ = خی دو			Sig= ۰/۰۰۶	
۰/۱۹۸ = فی			Sig= ۰/۰۰۶	
۰/۱۹۸ = وی کرامرز			Sig= ۰/۰۰۶	

در جدول (۷) چون سطح معناداری رابطه کمتر از ۰/۰۵ است، به این ترتیب با اطمینان ۹۵٪ می توان گفت که بین دو متغیر مذکور رابطه‌ی معناداری وجود دارد. شدت این رابطه با توجه به آماره وی کرامرز و فی، در سطح ضعیفی برآورد می شود.

جدول (۸) - جدول دوبعدی جنسیت و اشتغال مجدد در میان بازنشستگان

جمع	جنسیت		شغل مجدد
	زن	مرد	
۱۲۵	۹	۱۱۶	دارای شغل مجدد
۱۵۳	۲۹	۱۲۴	بدون شغل مجدد
۲۷۸	۳۸	۲۴۰	جمع
۱ = درجه آزادی		Sig= ۰/۰۰۵	نتیجه آزمون
۸/۰۵ = خی دو		Sig= ۰/۰۰۵	
۰/۱۷۰ = فی		Sig= ۰/۰۰۵	
۰/۱۷۰ = وی کرامرز		Sig= ۰/۰۰۵	

نتیجه آزمون خی دو در جدول (۸) نشان می دهد که سطح معناداری، کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین می توان گفت بین متغیر جنسیت و اشتغال مجدد رابطه‌ی معناداری وجود دارد. شدت این رابطه با توجه به آماره فی و وی کرامرز در سطح پایینی برآورد می شود.

جدول (۹) - جدول دوبعدی سطح تحصیلات و اشتغال مجدد در میان بازنشستگان

جمع	سطح تحصیلات					شغل مجدد
	کارشناسی ارشد و بالاتر	کارشناسی	کاردانی	دیپلم	کمتر از دیپلم	
۱۴۸	۳	۱۵	۲۴	۵۴	۵۲	دارای شغل مجدد
۱۳۰	۵	۱۱	۱۶	۵۲	۴۶	عدم شغل مجدد
۲۷۸	۸	۲۶	۴۰	۱۰۶	۹۸	جمع
Sig= ۰/۶۹۹						نتایج آزمون
۴ = درجه آزادی						
۲/۱۹ = خی دو						

در جدول (۹) با توجه به اینکه سطح معناداری، بیشتر از ۰/۰۵ می باشد، بنابراین می توان نتیجه گرفت که بین دو متغیر مذکور هیچ گونه رابطه ای وجود ندارد.

جدول (۱۰) - جدول دو بعدی سن و اشتغال مجدد در میان بازنشستگان

جمع	سن				شغل مجدد
	۷۰-۷۹	۶۰-۶۹	۵۰-۵۹	۴۰-۴۹	
۱۴۷	۶	۴۶	۶۵	۳۰	دارای شغل مجدد
۱۳۱	۱۰	۲۶	۷۴	۲۱	عدم شغل مجدد
۲۷۸	۱۶	۷۲	۱۳۹	۵۱	جمع
Sig= ۰/۰۵۶					نتایج آزمون
۳ = درجه آزادی					
۷/۵۵ = خی دو					

نتیجه آزمون خی دو در جدول (۱۰) نشان می دهد که سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ است، بنابراین می توان گفت که بین متغیر سن و اشتغال مجدد هیچ رابطه ای وجود ندارد.

جدول (۱۱) - مدل رگرسیون چند متغیره برای تبیین اشتغال مجدد بازنشستگان

متغیرهایی که وارد معادله شده اند					
سطح معناداری Sig	درجه آزادی Df	آماره والد Wald	خطای استاندارد S.E (Standard of error)	Beta	متغیرها

۰/۳۷۱	۱	۰/۷۹۹	۱/۲۲۱	۱/۰۹۱	مقدار ثابت (Constant)
۰/۰۱۴	۱	۵/۹۹۸	۰/۰۲۰	-/۰۵۰	۱- مشکلات اقتصادی
۰/۰۰۱	۱	۱۱/۷۶۳	۰/۰۳۲	۰/۱۱۱	۲- مشکلات اجتماعی
متغیرهایی که از معادله خارج شده‌اند					
سطح معناداری Sig	درجه آزادی Df	نمره Score	متغیرها		
۰/۵۴۶	۱	۰/۳۶۵	۱- جنسیت		
۰/۵۰۴	۱	۰/۴۴۶	۲- سن		
۰/۳۸۹	۱	۰/۷۴۳	۳- سطح تحصیلات		
۰/۶۱۳	۱	۰/۲۵۵	۴- بهبود کیفیت زندگی		
۰/۰۹۹	۱	۲/۷۱۹	۵- میل به پس انداز و سرمایه گذاری		
۰/۴۴۶	۱	۰/۵۸۱	۶- بهبود وضعیت معیشتی		
۰/۲۳۱	۱	۱/۴۳۵	۷- نیاز به تعلق با دیگران		
۰/۰۷۴	۱	۳/۱۸۲	۸- بهبود شرایط روحی و روانی		

جدول (۱۲) - خلاصه مراحل رگرسیون لجستیک و تاثیر هر متغیر برای تبیین اشتغال مجدد بازنشستگان

خلاصه مدل								
متغیر وارده به مدل	درصد طبقه بندی صحیح	مدل			بهبود یافته			مراحل
		سطح معناداری	درجه آزادی	کای اسکوار	سطح معناداری	درجه آزادی	کای اسکوار	
X _{۷۰}	٪۶۶/۸	۰/۰۰۰	۱	۳۰/۶۸۲	۰/۰۰۰	۱	۳۰/۶۸۲	اول
X _{۶۰}	٪۷۰/۵	۰/۰۰۰	۲	۳۷/۱۹۵	۰/۰۱۱	۱	۶/۵۱۳	دوم

همچنانکه در جدول (۱۱) و (۱۲) ملاحظه می‌شود، مجموعاً ده متغیر به مدل وارد شده‌اند. چون مدل رگرسیونی، متغیرها را در کنار هم با متغیر وابسته می‌سنجد، بنابراین ممکن است بعضی از متغیرها دو به دو با متغیر وابسته معنادار باشند اما در کنار سایر متغیرها، معناداری خود را از دست بدهند. بر همین اساس مدل رگرسیونی، دارای روایی بیشتری است. در این تحقیق، از میان ده

متغیر وارد شده به مدل تنها دو متغیر مشکلات اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی معنادار شده‌اند. در این میان، مشکلات اقتصادی دارای همبستگی معکوس با متغیر وابسته شغل مجدد است و متغیر دیگر همبستگی مثبتی را نشان می‌دهد. همبستگی معکوس مشکلات اقتصادی به این معناست که وجود مشکلات اقتصادی بیشتر، عدم وجود شغل مجدد را نشان می‌دهد و برعکس، وجود مشکلات اقتصادی کمتر، وجود شغل مجدد را نشان می‌دهد. به زبان ساده می‌توان گفت که مشکلات اقتصادی بازنشستگان با شغل مجدد، کمتر شده است. اما متغیر بهبود کیفیت زندگی، همبستگی مثبت را نشان می‌دهد و می‌توان چنین نتیجه گرفت که با داشتن شغل مجدد، به بهبود کیفیت زندگی بیشتری نسبت به بازنشستگانی که شغل مجدد ندارند، دسترسی پیدا می‌کنند. متغیر مشکلات اقتصادی در سطح اطمینان ۰/۹۵ و متغیر دسترسی به بهبود کیفیت زندگی در سطح ۰/۹۹ معنادار شده‌اند. اما متغیرهای جنسیت، سن، سطح تحصیلات، میل به پس انداز و سرمایه گذاری، بهبود وضعیت معیشتی، نیاز به تعلق با دیگران و بهبود شرایط روحی و روانی رابطه‌ی معناداری را با شغل مجدد بازنشستگان نشان نمی‌دهند.

در خلاصه مدل رگرسیونی که در دو مرحله اجرا شده است، متغیرهای معنادار (X_{60} = مشکلات اقتصادی، و X_{70} =بهبود کیفیت زندگی) در دو مرحله نشان داده شده‌اند. درصد تفکیک صحیح متغیرها با ورود اولین متغیر برابر با $68/8\%$ است و این درصد در مرحله دوم به $70/5\%$ ارتقاء یافته است. به این ترتیب، متغیرهای مذکور توانسته‌اند $70/5\%$ افراد مورد بررسی را به درستی تفکیک کنند. در واقع حساسیت مدل در تشخیص درست افراد بازنشسته دارای شغل مجدد و بدون شغل مجدد با توجه به متغیرهای وارد شده به مدل، $70/5\%$ درصد می‌باشد.

نتیجه گیری

در این تحقیق، در پی بررسی عوامل موثر بر اشتغال مجدد بازنشستگان تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی بودیم. بازنشستگان کسانی هستند که عمر مفید خود را در کار کردن سپری کرده و اکنون نیاز به آرامش و رسیدگی به امور دلخواه خود را دارند. نظام تأمین اجتماعی به‌عنوان نظامی که هدف از ایجاد آن، افزایش سطح رفاه عمومی و حمایت از کسانی است که به نحوی توانایی کار کردن را از دست داده و یا به سن پیری و کهنوت رسیده‌اند، بخش اعظمی از حمایت‌های خود را مشمول بازنشستگان و مستمری‌بگیران قرار داده است. سیستم بیمه‌ای تأمین اجتماعی با گردآوری

حقوق بیمه پرداختی از سه جانب کارگر، کارفرما و دولت، وظیفه تأمین آتیه پرداخت کنندگان را برعهده گرفته و می‌کوشد شرایط مساعد اقتصادی و اجتماعی را برای افراد تحت پوشش خود مهیا کند. با وجود اینکه بازنشستگان تحت پوشش بیمه تأمین اجتماعی هستند و به‌طور مستمر از سازمان، مستمری دریافت می‌کنند و با توجه به اینکه قانون، استخدام بازنشستگان را ممنوع کرده، ما شاهد اشتغال به کار مجدد بازنشستگان هستیم. این پرسشی است که در این تحقیق در پی یافتن پاسخی برای آن بودیم. به راستی این سؤال مطرح می‌شود که چرا بازنشستگان با وجود کهولت سن و مشکلات جسمی و غیره، اقدام به انجام شغل مجدد می‌نمایند. آیا یافتن شغل مجدد و انجام آن صرفاً به خاطر مسائل مالی و اقتصادی است؟ یعنی ناکافی بودن مستمری دریافتی آنان از سازمان تأمین اجتماعی، مسبب اقدام به کار مجدد آنها جهت جبران این کمبود است یا مسائل دیگری نیز در این بین مطرح می‌شوند. بنابراین سؤال اصلی تحقیق را اینگونه بیان می‌کنیم که چه عوامل اقتصادی-اجتماعی در اشتغال مجدد بازنشستگان نقش دارند؟ در تحقیق حاضر، در پی آن بودیم که بتوانیم جهات پنهان این موضوع را در حد توان شناسایی نماییم هرچند که معتقدیم نمی‌توان تمامی زوایای پنهان مسئله را روشن نمود.

برای یافتن پاسخی به سؤال اصلی تحقیق، با توجه به واکاوی‌های نظری و بهره‌گیری از نظریات اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی، فرضیاتی را تدوین نمودیم. متغیر وابسته، اشتغال به کار مجدد بازنشستگان است و متغیرهای مستقل، مشکلات اقتصادی، میل به پس انداز و سرمایه‌گذاری، بهبود وضعیت معیشتی و، نیاز به تعلق با دیگران، بهبود کیفیت زندگی، بهبود شرایط روحی و روانی و متغیرهای زمینه‌ای مانند جنس، سن و سطح تحصیلات می‌باشد. با بهره‌گیری از متغیرهای مستقل مذکور، در پی تحلیل و تبیین دلایل اشتغال به کار مجدد بازنشستگان برآمدیم که در ذیل نتایج تحقیق، مورد اشاره قرار می‌گیرند.

در تحلیل روابط دو متغیره بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته، مشخص شد که متغیرهای مشکلات اقتصادی، بهبود وضعیت معیشتی، احترام اجتماعی، بهبود کیفیت زندگی، نیاز به تعلق به دیگران و جنسیت معنادار شده‌اند و متغیر میل به پس انداز و سرمایه‌گذاری، سن و سطح تحصیلات، سطح معناداری مناسب را به‌دست نیاورده‌اند.

نکته‌ی مهمی که راجع به متغیرهای معنادار شده لازم است توضیح داده شود این است که با توجه به آماره‌های مورد استفاده در تحلیل ارتباط بین آنها، سطح وجودی این رابطه‌ها بجز متغیر دستیابی به امکانات تفریحی در سطح ضعیفی بوده‌اند. در واقع شدت رابطه بین متغیر وابسته با

متغیرهای مستقل، در سطح ضعیفی است. این مسئله به این معناست که اگرچه بین متغیرهای مذکور رابطه‌ی معناداری شکل گرفته است، اما تأثیر این متغیرها بر شغل مجدد بازنشستگان، قوی نیست و اگر بتوانیم شرایط زندگی بازنشستگان را کمی تغییر دهیم، احتمال آن می‌رود که سطح معناداری این متغیرها، تغییر کند. اما متغیر بهبود کیفیت زندگی، در سطح متوسط^۱، با متغیر شغل مجدد بازنشستگان ارتباط داشته است. این متغیر نسبت به متغیرهای دیگر، ارتباط بیشتری را نشان می‌دهد هر چند که این متغیر نیز ارتباط قوی برقرار نمی‌کند.

با توجه به نتایج تحلیل دو متغیره، می‌توان نتیجه گرفت که نه تنها مشکلات اقتصادی بر اشتغال مجدد بازنشستگان اثر می‌گذارد، بلکه میل به بهبود وضعیت معیشتی و نیاز به تعلق با دیگران، جنسیت، بهبود کیفیت زندگی در صورت وجود شغل مجدد و بهبود شرایط روحی و روانی بیشتر از جانب خانواده بازنشسته و افراد دور و بر او، در اشتغال مجدد بازنشستگان نقش دارند.

تحلیل نهایی که به انجام آن مبادرت ورزیده‌ایم، تحلیل رگرسیون است. در تحلیل رگرسیون، متغیرهای مستقل، به صورت یک کل منسجم، وارد معادله رگرسیون می‌شوند و تأثیر همزمان آنها بر متغیر وابسته مورد آزمایش قرار می‌گیرد. نتایج این تحلیل به شرح زیر است:

متغیرهای مشکلات اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی با متغیر وابسته شغل مجدد بازنشستگان، ارتباط معناداری را نشان می‌دهند. سطح ارتباط در متغیر مشکلات اقتصادی، معکوس است. به این معنی که هرچه مشکلات اقتصادی افراد بازنشسته بیشتر باشد، عدم شغل مجدد بازنشستگان برآورد می‌شود و هرچه دارای مشکلات اقتصادی کمتری باشند، وجود شغل مجدد محرز گردیده است. به عبارت ساده‌تر، این ارتباط معکوس را می‌توان ناشی از درآمدی دانست که فرد در وجود شغل مجدد به دست می‌آورد و باعث آن می‌شود که مشکلات اقتصادی کمتری داشته باشد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که اشتغال مجدد بازنشستگان توانسته است مقدار زیادی از مشکلات اقتصادی آنان را مرتفع کند و می‌توان از این نظر، اشتغال مجدد را گامی مثبت در جهت کاهش مشکلات بازنشستگان دانست.

از سویی دیگر، متغیر بهبود کیفیت زندگی، رابطه‌ای مثبت و مستقیم با شغل مجدد بازنشستگان دارد و بدین معناست که در صورت وجود شغل مجدد، افراد بازنشسته توانایی بهبود کیفیت زندگی بیشتری دارند و در صورت عدم وجود شغل مجدد، کیفیت زندگی آنان تقلیل می‌یابد.

۱- سطوح شدت ارتباط بین متغیرها را به سه سطح ضعیف، متوسط و قوی دسته بندی می‌کنند.

نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که متغیرهای جنسیت، سن، سطح تحصیلات، میل به پس انداز و سرمایه‌گذاری و بهبود وضعیت معیشتی، نیاز به تعلق به دیگران و بهبود شرایط روحی و روانی با متغیر وابسته اشتغال مجدد بازنشستگان، رابطه‌ی معناداری را نشان نمی‌دهند. عدم وجود ارتباط بین این متغیرها به این معناست که وجود یا عدم وجود شغل مجدد، تفاوتی در بین دو گروه بازنشسته‌ی با شغل و بدون شغل، ایجاد نمی‌کند. در واقع نشان می‌دهد که این متغیرها تأثیر قابل ملاحظه‌ای در گرایش بازنشستگان به شغل مجدد ایفا نمی‌کنند و اگر تفاوتی بین دو گروه وجود داشته باشد، ناشی از شانس و یا اتفاق است.

به این ترتیب، تحلیل نهایی ما بر مدل رگرسیونی وابسته است و در تحلیل نهایی به این مدل توجه می‌نماییم. پس، دو متغیر مشکلات اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی، متغیرهایی هستند که بیشترین تأثیر را در بین متغیرهای تحقیق، به خود اختصاص می‌دهند.

نتایج این تحقیق در مطابقت کامل با نتایج پژوهش مزینانی و همکاران (۱۳۹۸) و شکوری (۱۳۹۷) و کلانتری (۱۳۹۵) است که بیان داشته‌اند که دلایل اشتغال مجدد بازنشستگان می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد که مولفه‌های اقتصادی و اجتماعی از مهمترین آنهاست. علاوه بر شناسایی متغیرهای تأثیرگذار بر اشتغال مجدد بازنشستگان، نگارنده در پی دستیابی به هدفی جزئی تحت عنوان شناسایی مهمترین عوامل اقتصادی - اجتماعی تأثیرگذار در زندگی بازنشستگان نیز بود. مهمترین مسائل اجتماعی در مدل کلی تحقیق که به مدل رگرسیون مشهور است، مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. با توجه به یافته‌های تحقیق در حیطه مشکلات اقتصادی، موارد زیر به عنوان مهمترین دغدغه‌های اقتصادی بازنشستگان شناسایی شدند.

تلاش برای افزایش امید به زندگی و رفاه اجتماعی

تمایل به کسب درآمد بیشتر

تمایل به افزایش سطح رفاه اقتصادی خانواده

بهبود استانداردهای حداقلی برای گذران زندگی

تامین نیازها و احتیاجات روزمره

میل به پس انداز و سرمایه‌گذاری

تلاش برای تولید ثروت از طریق پس انداز مالی

تمایل به ایجاد امنیت مالی و اقتصادی خانواده

با توجه به اینکه متغیر مشکلات اقتصادی در معادله رگرسیون به‌عنوان متغیر تأثیرگذاری در اشتغال به کار مجدد بازنشستگان شناسایی گردید، موارد فوق به‌عنوان مهمترین دغدغه‌های اقتصادی بازنشستگان شناسایی شده‌اند. این موارد در برقراری رابطه بین متغیر اشتغال مجدد بازنشستگان، جملگی معنادار بوده‌اند. سطح معناداری این متغیرها همگی در سطح ۹۹٪ بوده است. شدت ارتباط بین این متغیرها و متغیر اشتغال مجدد بازنشستگان در سطح متوسط بوده و نشان می‌دهد که از عوامل تأثیرگذار در حیطه مشکلات اقتصادی به‌شمار می‌آیند. شناخت و درک ماهیت این مشکلات می‌تواند گامی در جهت مرتفع نمودن مشکلات اقتصادی آنان باشد.

در این قسمت به ذکر پیشنهادهایی می‌پردازیم که در تحقیق حاضر به آن دست یافته‌ایم. بحث کلیدی این است که با کدام رویکرد به اشتغال مجدد بازنشستگان نگاه کنیم. آیا اشتغال مجدد بازنشستگان را به‌عنوان امری منفی تلقی کنیم یا رویکردی مثبت به آن داشته باشیم. اگر از زوایای مختلف به این قضیه بنگریم، به برداشت‌های متفاوتی می‌رسیم. به‌عنوان مثال، اگر بحث ورود به کار نیروهای جوان را در نظر بگیریم، باید بگوییم که اشتغال به کار مجدد بازنشستگان، باعث عدم دستیابی نیروهای جوان و فعال کشور به فرصت‌های شغلی می‌گردد و این مسئله امری منفی تلقی می‌شود و اما اگر بگوییم که بازنشستگان کسانی هستند که هنوز توان کار کردن را دارند و می‌توانند از انباشت تجربیات و توانایی‌های خود در جهت پیشبرد هر چه بهتر امور و کارها استفاده کنند، امری مثبت به حساب می‌آید. از طرفی دیگر، بحث نیازهای این افراد نیز بسیار مهم است، زیرا به‌نظر می‌رسد که اگر این افراد برای ارضای نیازهای خود، نیازمند انجام کار نباشند، کمتر دلیلی برای اشتغال مجدد خواهند داشت و چه بسا بعضی از این افراد، از سر ناچاری و با وجود مشکلات عدیده جسمی و روحی-روانی، روی به اشتغال مجدد بیاورند.

قطعاً برای بخشی از بازنشستگان، اشتغال مجدد، به خاطر مشکلات و پیامدهای ناشی از کمبود مستمری پرداختی و یا تفوق هزینه‌ها بر درآمدهای آنان است و برای برخی دیگر، اشتغال مجدد، ناشی از مسائل دیگری است. در هر صورت، با توجه به نیازهای کشور و مسائل کلان‌کشوری و با توجه به اینکه هر سال به جمعیت فعال کشور افزوده می‌شود، نیاز به ایجاد فرصت‌های شغلی گسترده مشهود است و سیاستمداران کشور، یکی از دغدغه‌های خود را بحث نیروی کار و یافتن شغل برای جوانان می‌دانند. پس باید کاری کرد که زمینه برای حضور بخش جوان و پراکنگیزه نیروی کار کشور مهیا شود.

با توجه به شرایط مذکور، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

۱- با توجه به اینکه متغیر مشکلات اقتصادی، تأثیر قابل ملاحظه‌ای در اشتغال مجدد بازنشستگان دارد، پیشنهاد می‌شود که به نحوی، هزینه‌های اقتصادی این قشر، کاهش یابد. ساده‌ترین و در دسترس‌ترین این اقدامات، افزایش میزان مستمری بازنشستگان است. با افزایش میزان مستمری این افراد، می‌توان از ورود به کار آنان جلوگیری کرد. اگرچه این افزایش زمانی مؤثر خواهد بود که نرخ تورم نیز مهار گردد، در غیر اینصورت افزایش مستمری درمانی مقطعی به‌شمار خواهد رفت. از جمله اقدامات دیگر می‌توان به افزایش تسهیلات حمایتی سازمان - که در قالب خدمات کوتاه مدت به بازنشستگان ارائه می‌گردد - اشاره کرد. مانند بن، کمک‌های بلاعوض و موردی و ...

۲- با توجه به نتایج تحقیق، مشخص گردید که دسترسی به امکانات تفریحی، نقش مهمی در اشتغال مجدد بازنشستگان ایفا می‌کند، پس می‌توان با ارائه خدماتی از قبیل دسترسی به سینماها، دیگر اماکن فرهنگی و تفریحی، از اشتغال مجدد آنان جلوگیری کرد. البته در معادله رگرسیون مشخص شد که بین اشتغال مجدد و بهبود کیفیت زندگی، رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. بنابراین، شاید بهبود کیفیت زندگی ناشی از درآمد اقتصادی که به دست می‌آوردند باشد و بازنشسته‌هایی که شغل مجدد ندارند، به خاطر عدم تأمین مالی، کیفیت زندگی آنها بهبود نمی‌یابد.

۳- با توجه به اینکه ماهیت کار کردن این افراد امری صحیح و پسندیده است و نباید به خاطر کار کردن، مورد مؤاخذه قرار گیرند، ترتیبی داده شود که بازنشستگان بتوانند تحت حمایت‌های قانونی و زیر نظر سازمان تأمین اجتماعی، به فعالیت‌هایی همچون مشاور برای مدیران جوان مشغول شوند، چراکه بازنشستگان مرحله آزمون و خطای خود را سپری کرده و می‌توانند از نظر فکری کمک بسیاری به مدیران بکنند.

این امر باعث می‌شود که هم از مشکلات اقتصادی بازنشستگان کاسته شود، هم از تجارب و سرمایه‌های فکری آنان استفاده شده و هم از مسائل روحی و روانی که در قطع کار و فعالیت و احساس عدم مفید بودن به بازنشستگان عارض می‌شود، جلوگیری شود. بسیاری از بازنشستگان به خاطر قطع گسترده‌ی ارتباطات خود، دچار افسردگی می‌شوند. کنده شدن این افراد از جامعه و کاستن حوزه‌های ارتباطی آنان، می‌تواند مسبب مشکلات عدیده‌ای از جمله بیماری‌ها و ناراحتی‌های خانوادگی گردد و این امر خود منجر به افزایش هزینه‌های سازمان و این افراد شود که اگر این مشکلات وجود نداشتند، توان سازمان در ارائه خدمات گسترده‌تر به افراد تحت پوشش، بیشتر می‌شد.

۴- سازمان تأمین اجتماعی جهت حرمت بخشیدن به این افراد و ارضای نیازهای ارتباطی آنان، می‌تواند به صورت دوره‌ای و با توجه به بازنشسته‌های در ارتباط هر شعبه، اقدام به برگزاری مراسم‌ها و برنامه‌های مناسب برای این قشر نماید. بدین وسیله، می‌توان از کارها و اقداماتی که در گذشته انجام داده‌اند، قدردانی کرد و همچنین، محیطی فراهم آورد که بازنشستگان بتوانند در کنار هم به گپ و گفت‌وگو پردازند.

۵- بسیاری از شغل‌های خرد وجود دارند که واگذاری آن به نیروهای جوان و پرتوان، نوعی اشتغال کاذب محسوب می‌شود و از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نیست. با شناسایی این شغل‌ها و واگذاری آن به بازنشسته‌ها، می‌توان مقرون به صرفه بودن این امور را افزایش داد و از طرفی دیگر، سازمان تأمین اجتماعی می‌تواند مقداری از مستمری‌های آنان را به خاطر داشتن شغل کاهش دهد به طوری که ماحصل انجام کار و دریافت مستمری برای بازنشستگان، بیشتر از میزان مستمری بدون انجام کار آنان باشد و بتواند تأثیر مشهودی در بهبود شرایط بازنشستگان ایفا نماید. اگر سازمان تأمین اجتماعی با توجه به داشتن شغل و دریافت حقوق از جانب بازنشستگان، مقداری از مستمری آنان را کاهش دهد، توان سازمان در بهبود ارائه خدمات افزایش می‌یابد و بازنشسته‌هایی که نیازمند کمک‌های بیشتری هستند، می‌توانند از خدمات بیشتر سازمان استفاده نمایند و به نوعی به بازتوزیع درآمدهای اجتماعی کمک می‌شود.

منابع

افتاده، غلامحسین افتاده و واثقی، محمد (۱۳۹۲)، «بررسی اهداف و کارکردهای تأمین اجتماعی و ارزیابی مقررات فعلی تأمین اجتماعی در برآورده ساختن آن»، فصلنامه تأمین اجتماعی، سال ششم، شماره هفدهم. ص ۲۲۹.

افروز، غلام‌علی (۱۳۹۰)، **هنگامه فراغت زمینه‌ساز بهداشت روانی و بستر خلاقیت‌ها**، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان آموزش و پرورش. ۱۵۵ ص.

اسکندری، مجتبی و خدمتگزار خوشدل، موسی (۱۳۸۸)، **بررسی عوامل مرتبط با تمایل به اشتغال مجدد بازنشستگان نیروهای مسلح**، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی دانشگاه جامع امام حسین (ع). سال اول، شماره ۴، ۱۳۷-۱۵۳.

تاجبخش، کیان (۱۳۹۴) «کاربرد نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی در تأمین اجتماعی»، مجموعه مقاله‌های نخستین سمپوزیوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

تاج مزینانی، علی اکبر و بگی، میلاد (۱۳۹۸)، «بررسی رضایتمندی مستمری بگیران سازمان تأمین اجتماعی و تأثیر آن بر نگرش نسبت به سازمان»، **تامین اجتماعی**، ۱۵(۲)، ۴۳-۶۲.
دفتر امور فرهنگی و اجتماعی بیمه‌شدگان سازمان تأمین اجتماعی (۱۳۹۶)، **آشنایی با تعهدات و خدمات تأمین اجتماعی (ویژه بیمه‌شدگان تأمین اجتماعی)**، تهران: مؤسسه فرهنگی و هنری آهنگ آتیه.

ریاضی، محسن (۱۳۹۷)، «تأثیر اجرای بازنشستگی مشاغل سخت و زیان آور بر منابع و مصارف سازمان تأمین اجتماعی»، **فصلنامه تأمین اجتماعی**، سال چهارم، شماره اول، ۴۲-۱۵.
شکوری، مهدی (۱۳۹۷)، «بررسی عوامل اجتماعی موثر بر رضایتمندی بیمه‌شدگان سازمان تأمین اجتماعی از مقررات قانونی مربوط به نقل و انتقال سوابق بیمه‌ای از سایر صندوق‌های بازنشستگی»، **تامین اجتماعی**، ۱۵(۱)، ۱۳۷-۱۵۵.

فتحی، عیسی؛ نصیری پور، امیراشکان؛ خالصی، نادر و زیاری، رضا (۱۳۹۷)، «عوامل ایمنی و بهداشتی موثر بر مدیریت بخش تغذیه در بیمارستان‌های تأمین اجتماعی با رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری»، **مدیریت بهداشت و درمان**، ۹ (شماره ۳)، ۲۹-۳۵.

عصمتی، زینب؛ محبی، داود (۱۳۹۴)، مطالعه تطبیقی نقش و حدود دخالت دولت در سازمان تأمین اجتماعی، **فصلنامه تأمین اجتماعی**، سال سیزدهم، شماره دوم، ۶۴-۴۱.
کلانتری، خلیل (۱۳۹۵)، **پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی**، تهران: مشاورین طرح و منظر، چاپ دوم.

نیک پور، عبدالهادی (۱۳۹۷)، «بررسی انواع حمایت‌های سازمان تأمین اجتماعی نسبت به بیمه‌شدگان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس. ۱۷۰ ص.

Bennett, M. M., Beehr, T. A., & Lepisto, L. R. (2016). A longitudinal study of work after retirement: examining predictors of bridge employment, continued career employment, and retirement. **The**

International Journal of Aging and Human Development, 83(3), 228-255.

Damman, M., Henkens, K., & Kalmijn, M. (2011). The impact of midlife educational, work, health, and family experiences on men's early retirement. **Journals of Gerontology Series B: Psychological Sciences and Social Sciences**, 66(5), 617-627.

<https://fa.wikipedia.org>